



نوجوانان با تاریخ بیگانه‌اند

احمد عربلو نویسنده درباره کتاب جدید خود گفت: کتاب جدیدم با عنوان «هزار داستان» در مراحل نهایی قرار دارد و به زودی منتشر می‌شود. این کتاب به زبان طنز است و در ابتدا قرار بود برای جوانان باشد ولی داستان‌ها به نحوی است که همه مخاطبان در هر رده سنی می‌توانند آن را بخوانند. این نویسنده در ادامه بیان کرد: کتاب دیگری در دست انتشار دارم که تاریخ به زبان طنز است و درباره تاریخ ایران بعد از اسلام تا پایان دوره پهلوی است. وی افزود: این کتاب برای مخاطبان علاقه مند به طنز در نظر گرفته شده و هدفم این بود که کودکان و نوجوانان را بیشتر با تاریخ آشنا کنم زیرا متأسفانه در سال‌های اخیر نوجوانان با تاریخ بیگانه شده‌اند. اصباحیر



اهدای جایزه دوربین طلا به یاد کیارستمی

جایزه دوربین طلا «عباس کیارستمی» در بخش نگاه نوجوانان جایزه بین‌المللی «عکس ۵» به برترین عکس اهدا می‌شود. مهدی شادی‌زاده، دبیر جشنواره جایزه بین‌المللی «عکس ۵» گفت: نام این جشنواره برگرفته از فیلم عباس کیارستمی است که به شکل کاملاً تخصصی در زمینه عکس و ویدئو آرت است. این جشنواره براساس این فیلم و یادبودی برای این کارگردان فقید پایه‌گذاری شد. او در ادامه بیان کرد: در سه دوره قبلی نتوانستیم جایزه ویژه‌ای را به نام «عباس کیارستمی» اختصاص دهیم در نتیجه در این دوره تصمیم گرفتیم جایزه دوربین طلا عباس کیارستمی را داشته باشیم که این جایزه یک سمبل است. ایسنا



مهدی راحمی:

نشانه‌ها را جابه‌جا کرده‌ام

گالری‌گردی شاید آخرین تفریح هنری باشد که مردم به آن روی بیاورند. این مسئله تنها مختص به ایران نیست و در سراسر جهان وجود دارد. قطعاً یکی از دلایل، سرگرم‌ساز نبودن هنر تجسمی است، اما دلیل دیگری هم وجود دارد که شاید خیلی مهم باشد و آن احساس غریبی کردن مردم عام با فضای گالری‌ها و آثار هنرمندان تجسمی است. این در حالی است که اتفاقاً هنرمندان عرصه تجسمی، غالباً خاکی و مردمی هستند و ارتباط با مردم در گالری‌ها را دوست دارند. آثار نقاشی «مهدی راحمی» یکی از معروف‌ترین نقاش‌های حال حاضر ایران از ۸ تا ۱۷ اردیبهشت در گالری آر تی‌بی‌ش به نمایش گذاشته شده است. حین ورود به گالری با این جمله که روی دیوار نوشته شده بود مواجه می‌شوم: (کنار آمدن با آنچه که می‌دانیم پایان تباهی دارد! نوعی بی‌تفاوتی و خو کردن با وضعیت اکنون. گویی در دل یک سیلاب مهلک ضیافتی برپاست «ضیافتی در قعر») این جملات کوتاه بیانگر حال تمام نقاشی‌هایی است که در گالری وجود دارد. در تمام آثار یک نوع میهمانی یا ضیافت در حال برگزاری است که در آن چهره افراد قابل شناسایی نیست اما جنسیت آن‌ها مشخص است. آثار شما را به فکر فرو می‌برند که هنرمند چه چیزی را در این نقاشی‌ها می‌خواسته به ما نشان بدهد. مهدی راحمی برای ما از آثارش چنین می‌گوید: در این مجموعه آثار، چند نشانه مشترک وجود دارد. در تمام آثار یک نوع بزم را حس می‌کنیم و سعی کرده‌ام شخصیتی را نشان دهم که با دیگر افراد حاضر در ضیافت متفاوت است. در یکی از تابلوها که در آن طبیعت ترسیم شده، چندین نفر وجود دارند. در گوشه‌ای از نقاشی، در انتهای افق و فضای مه‌آلود یک نقطه زرد کشیده‌ام که انگار نشان می‌دهد کورسوی امیدی هنوز هست. یاد بعضی تابلوها، همه مشغول انجام دادن کاری هستند؛ یک نفر با عزم راسخ به سمت جلو حرکت می‌کند. یا یک زن در گوشه‌ای تنها است و تندیس‌وار گویی می‌خواهد جمعی را نجات بدهد. او ادامه داد: هر کدام از آثار به نوعی چنین اشاراتی دارند و من نشانه‌ها را در آثار جابه‌جا کرده‌ام اما همگی موضوع مشترکی دارند؛ اینکه نجات‌دهنده یا روزنه امیدی هست و شاید حتی بتوان نگاه بدبینانه‌ای به آثار داشت؛ اینکه کسی هست اما کسی به او توجهی ندارد... راحمی به صبا گفت: من فقط راوی یک وضعیت هستم و هرگز نتیجه‌گیری نمی‌کنم. من یک نقاشم. آنچه را که می‌بینم یا حس می‌کنم، می‌کشم. شاید بتوان اسمش را هشدار گذاشت... من در نقاشی سعی دارم نگاه جهان‌شمولی داشته باشم که اگر کسی از کشوری دیگر این ضیافت را دید، تحت تأثیر قرار بگیرد. «مهدی راحمی» متولد بهار ۵۸ از شهر کاشان است. از نوجوانی متوجه استعداد نقاشی خودش شد. اولین استاد او در کاشان «مهدی اسدزاده» است که میانی پایه و آکادمیک و انواع تکنیک را در کنارش آموخت. راحمی در کنار «مهر داد خطایی» با هنر مدرن آشنا شد و به واسطه رفت و آمدش به تهران و بازدید از گالری‌ها، با نقاشی مدرن و ذهنی‌آشنایی پیدا کرد و از نقاشی رئال فاصله گرفت اما همچنان در گوشه‌ای از آثارش، با یک توانایی فوق‌العاده در نقاشی رئال روبرو می‌شویم. اصباحیر

